



Analysis of The end of the Iran-Iraq war

SeyyedMahmood sadat- Bidgoli¹ | Hadi Ghaysarian- Fard²

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract:

Purpose: This paper is an assessment of the political consequences of Iran-Iraq war within the framework of "target-result" theory. The paper also tests the theory of "war without a win".

Methodology and Research Design: Data for this study has come from archival records, library resources, and interview with war commanders. Theoretical framework of the study is based on the "win-loss" theory of HP-Callahan which upholds two concepts, namely victory and failure. The theory states that as long as a nation maintains its military, political and psychological power, it can continue the war.

Findings and Conclusions: The adoption of the UN Security Council Resolution no. 598 in July 27, 1988, provided the basis for ending the war. It led to the refutation of the claim that Iran seeks war while Iraq demands peace. Later developments in the region proved that Iran has attained its political goals in war against Iraq. With the full support of its people, the government managed to defend the integrity of the country, and consolidate its military with revolutionary-religious orientation. Whereas the Iraqi government had no achievement. But to increase its attachment to economic issues and the purchase of military weaponry from world powers.

Keywords:

Imposed War, Resolution 598, Peace, International Geographic, International, Iraq

1. Assistant Professor, Department of History of Islamic Revolution, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, I. R. Iran, (Corresponding Author)
sadat@ri-khomeini.ac.ir

2. PhD Student, History of Islamic Revolution, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, I. R. Iran
h.ghaysarian@yahoo.com

Copyright © 2019, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«115»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2019.2382

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 29, No. 3, Autumn 2019 | pp: 68 -98 (31) | Received: 28, Feb. 2018 | Accepted: 30, Aug. 2018

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

تحلیل و ارزیابی پایان جنگ ایران و عراق

سید محمود سادات بیدگلی | هادی قیصریان فرد^۱

چکیده:

هدف: ارزیابی پایان جنگ ایران و عراق در چارچوب معیار «هدف-نتیجه» و به آزمون گذاشتن نظریه «برد-باخت».

روش / رویکرد پژوهش: پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و برپایه منابع اسنادی، کتابخانه‌ای و مصاحبه با فرماندهان جنگ تحمیلی انجام شده است. چارچوب نظری بر نظریه «برد-باخت» اچ. اف. کالاهان مبتنی است. این نظریه برپایه دو مفهوم اصلی پیروزی و شکست بنا شده است و بیان می‌کند که کشورها تا زمانی می‌توانند برای تحقق اهدافشان به جنگ ادامه دهند که توان نظامی، سیاسی و روانی داشته باشند.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در ۲۷ تیر ۱۳۶۷، سبب رفع ادعای جنگ‌طلبی ایران و صلح‌طلبی عراق شد. هم‌چنین روند تحولات منطقه‌ای در پایان جنگ، نشان‌دهنده تأمین اهداف سیاسی ایران در جنگ با عراق بوده است؛ زیرا ایران توانسته بود با حمایت و پشتیبانی مردم، ضمن حفظ تمامیت ارضی، جنگ را اداره و نظامی سیاسی خود را با شاخص‌های انقلابی-دینی تثبیت کند؛ ولی دولت عراق در دستیابی به هیچ‌کدام از اهدافش موفق نبود و فقط وابستگی‌اش را در زمینه اقتصادی و خرید تسلیحات نظامی به قدرت‌های بزرگ بیشتر کرد.

کلیدواژه‌ها:

جنگ تحمیلی؛ قطعنامه ۵۹۸؛ صلح؛ مرز جغرافیایی؛ نظام بین‌الملل؛ عراق.

۱. استادیار گروه تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).
sadat@ri-khomeini.ac.ir

۲. دانشجوی مقطع دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.
h.gheisarian@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۱۵»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۱۹.۲۳۸۲

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۹، دفتر ۳، پاییز ۱۳۹۸ | صص: ۶۸-۹۸ (۳۱)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۹ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۸

تحقیقات تاریخی

بیان موضوع

در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ عراق با تهاجم نظامی به مرزهای ایران بخش‌هایی از سرزمین ایران را اشغال کرد و از این اقدام به عنوان آزادسازی مناطق اشغالی یاد کرد. شش روز بعد (۱۳۵۹/۷/۶) شورای امنیت سازمان ملل نخستین قطعنامه خود را به شماره ۴۷۹ بانام «بررسی وضعیت میان ایران و عراق»^۱ صادر کرد؛ ولی در آن به وقوع تجاوز و نقض تمامیت ارضی ایران و نیز صلح اشاره‌ای نکرد و تنها از دو طرف خواست که از توسل بیشتر به زور خودداری کنند.

بعد از صدور قطعنامه ۴۷۹، شورای امنیت به مدت دو سال سکوت کرد تا آن زمان که در پی انجام عملیات‌های ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس که به شکست حصر آبادان، آزادسازی بستان و در نهایت آزادسازی خرمشهر انجامید، قطعنامه ۵۱۴ را در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۱ برای پایان دهی به جنگ صادر کرد. ابتدا انتظار می‌رفت که با آزادسازی خرمشهر و عقب‌نشینی نیروهای عراقی و صدور این قطعنامه جنگ خاتمه پیدا کند؛ ولی این‌گونه نشد و دولت ایران به دلیل بی‌توجهی به خواسته‌هایش، هیچ‌کدام از قطعنامه‌ها و اقدامات میانجی‌گریانه برای آتش‌بس را قبول نکرد و با تغییر در سطح استراتژی ملی از حالت تدافعی به تهاجمی، انجام عملیات‌های متعدد را در دستور کار خود قرار داد که شروع آن عملیات رمضان در تیر ۱۳۶۱ با هدف تصرف بصره بود؛ که البته به علت وجود استحکامات قوی از جمله موانع مثلثی شکل ایجاد شده توسط عراق، به نتیجه نرسید. مهم‌ترین پیروزی ایران پس از فتح خرمشهر، عملیات والفجر ۸ و تصرف شبه جزیره فاو^۲ در بهمن ۱۳۶۴ بود که به عنوان یک نقطه عطف بزرگ در راستای استراتژی سیاسی ایران تلقی می‌شد؛ ولی حامیان عراق و نظام بین‌الملل با حمایت‌های سیاسی و نظامی از کشور عراق، وضعیت را به گونه‌ای پیش بردند که ایران نتواند از فرصت پیش آمده استفاده کند و در نهایت ایران به علت مشکلات اقتصادی و نظامی موجود در داخل، و نیز حمایت آمریکا و نظام بین‌الملل از توان نظامی عراق مجبور شد قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرد.

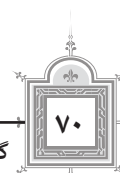
پرسش پژوهش

پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که اگر قرار بود جنگ با پذیرش قطعنامه به پایان برسد، پس چرا در زمان فتح خرمشهر یا تصرف جزیره فاو که ایران پیروز نبرد بود، برای پایان جنگ اقدام نشد؟

هم‌چنین نتیجه جنگ ایران و عراق را براساس کدام یک از مدل‌های نظری مطرح شده درباره پایان جنگ می‌توان ارزیابی کرد؟

1. "The Situation Between Iran and Iraq"

2. Faw Island



چارچوب نظری پژوهش

امروزه نظریه‌های گوناگونی در زمینه پایان جنگ‌ها و پذیرش صلح از سوی دولت‌ها مطرح است که به‌اختصار به سه عدد از آن‌ها اشاره می‌شود. نخستین نظریه، نظریه بازندگان و برندگان است که به نظریه «برد-باجت» مشهور است و براساس آن، جنگ زمانی پایان می‌یابد که برنده و بازنده جنگ مشخص شود. برطبق این نظریه، جنگ برای رسیدن به هدفی شروع می‌شود و تا زمانی که یکی از طرف‌های جنگ با شکست دادن طرف مقابل، اراده و خواست خود را بر آن تحمیل نکند، جنگ عملاً به پایان نمی‌رسد (Reiter, 2003, P24). گفتنی است که در این نظریه، پایان جنگ از نظر نظامی بررسی می‌شود؛ بنابراین توان نظامی و شرایط حل و فصل اختلاف‌ها چگونگی پایان جنگ را رقم می‌زند (Massoud, 1996, P491). برای رسیدن به طرح پایان جنگ در این نظریه، سه پرسش اساسی مطرح می‌شود که باید به آن‌ها پاسخ داده شود. این پرسش‌ها عبارت‌اند از:

۱. آیا دو طرف درگیر در جنگ توانایی ادامه نبرد را دارند؟
۲. آیا در هر دو طرف درگیر در جنگ اراده لازم برای تداوم جنگ وجود دارد؟
۳. اهداف سیاسی مهم دو طرف که در جنگ نهفته است، چیست؟ (حاجی یوسفی، ۱۳۹۲، ص ۴۶).

نظریه دوم به ویژگی‌ها و شخصیت زمامداران معطوف است. فرضیه این نظریه این است که افراد و گروه‌های صاحب‌نفوذ در یک دولت، به‌طور یکسان به جنگ گرایش ندارند و تنها برخی از آن‌ها تمایل دارند از جنگ به‌عنوان گزینه‌ای برای رسیدن به هدف استفاده کنند؛ بنابراین زمانی که این گروه و افراد بر مصدر امور هستند، جنگ را شروع می‌کنند؛ ولی ناتوانی آن‌ها در پیروزی سریع و اعتراض عمومی به جنگ می‌تواند موجب به‌قدرت رسیدن گروه‌ها و افراد دیگری در آن کشور شود که از آن‌ها با عنوان کبوترها یا افراد صلح‌طلب یاد می‌شود؛ به‌بیان دیگر، پایان جنگ ممکن است به‌دلیل بروز تغییر و تحول در سطوح ملی در یکی از کشورهای درگیر باشد و تغییر رهبران و تصمیم‌گیرندگان اصلی جنگ در یکی از دولت‌ها می‌تواند به تغییرات جدی در موضوع و ماهیت جنگ منجر شود (Hansen et al, 2004, P137). سومین نظریه بر این فرض استوار است که تداوم جنگ ممکن است پیامدهایی به‌مراتب بدتر از پایان آن داشته باشد. این نظریه معتقد است هنگامی که رهبران تصدیق کنند که پیامدهای تداوم جنگ بیشتر از هزینه و دستاوردهای احتمالی آن است و ممکن است ارزش‌های مهم دیگری را تهدید کند، به تأمل می‌پردازند و تصمیم می‌گیرند به جنگ پایان دهند. در این برآیند، رهبران متوجه می‌شوند که نظم ثانوی در اثر تداوم جنگ از بین رفته‌است و هزینه‌های بسیار سنگین‌تری بر آن‌ها تحمیل خواهد شد

1. Win-lost.



(Engel bregcht, 1993, P71)؛ بنابراین نه به علت هزینه‌های جنگ، بلکه به علت پیامدهای احتمالی تداوم جنگ به پایان آن تن می‌دهند. براساس سه نظریه ذکر شده، جنگ‌ها به سه شکل زیر پایان می‌گیرند:

۱. پایان جنگ با شکست و تسلیم کامل یک طرف؛
 ۲. پایان جنگ با تغییر در کارگزاران جنگ؛
 ۳. تهدید نظم ثانوی و پرهزینه شدن تداوم جنگ.
- علاوه بر سه نظریه ذکر شده قبلی دو نظریه مهم و تأثیرگذار دیگر هم برای خاتمه دادن به جنگ‌ها وجود دارند که عبارت‌اند از:

۱. نظریه بن‌بست در جنگ و ناتوانی در تأمین اهداف؛
 ۲. نظریه پایان جنگ با رسیدن به بخشی از اهداف.
- البته طبق این دو نظریه اخیر، رهبران کشورها با توجه به دستاوردها و هزینه‌های جنگ در دوره‌ای، تصمیم می‌گیرند به جنگ پایان دهند.
- در تحقیق پیش‌رو از نظریه‌های مطرح شده درباره پایان جنگ، به شکل تلفیقی استفاده خواهیم کرد. بنابراین در زمینه پایان جنگ ایران و عراق، نقش تغییرات در سطح ملی و منطقه‌ای، تصمیم‌گیرندگان و بازیگران مهم جنگ، و شرایط نظامی، سیاسی و اقتصادی دو طرف قابل بررسی است.

پیشینه تحقیق

آثار و تحقیقات زیادی درباره پیشینه موضوع حاضر وجود دارد که اغلب پایان جنگ را با نگاه نظامی و سیاسی تجزیه و تحلیل کرده‌اند. از جمله این تحقیقات عبارت‌اند از: ۱- کتاب دو جلدی «تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق»^۱ تألیف حسین علایی که به ابعاد مختلف جنگ، از ابتدای پیروزی انقلاب و شروع تهاجم عراق تا رویدادهای پایان جنگ می‌پردازد. در این کتاب به چرایی آغاز جنگ توسط صدام حسین، فرازونشیب‌ها و تحولات دوران جنگ، عملیات‌های مهم ایران برای بیرون‌راندن ارتش متجاوز عراق، چگونگی تصمیم‌گیری برای عبور از مرز پس از فتح خرمشهر، جنگ شهرها، جنگ نفت‌کش‌ها، به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی توسط عراق، ماجرای مک فارلین، قطعنامه‌های مختلف سازمان ملل به‌ویژه قطعنامه ۵۹۸ و نیز چگونگی روند خاتمه جنگ پرداخته شده است.

کتاب «به سوی صلح»^۲ نوشته خاویر پرزدکوئینار^۳ دبیرکل سازمان ملل متحد در دوران جنگ، دکوئینار در این کتاب، مأموریت‌هایی را که مجمع عمومی یا شورای امنیت به او واگذار کرده بودند با نظمی خاص بازگو می‌کند و جنگ را نه براساس توالی روزانه رویدادها، بلکه

۱. علایی، حسین. (۱۳۹۵). تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق. تهران: مرزوبوم.
۲. پرزدکوئینار، خاویر. (۱۳۷۹). به سوی صلح. (حمیدرضا زاهدی، مترجم). تهران: انتشارات اطلاعات.
3. javier prazdekuyar



به صورت موضوعی دنبال می‌کند؛ بنابراین هر فصل این کتاب پرونده‌ای است که او در سازمان ملل پی گرفته بوده است. ۳- کتاب «جنگ ایران و عراق از نگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل»^۱ به قلم امیرمحمد حاجی‌یوسفی. این کتاب سعی دارد تا ابعادی نوین از جنگ تحمیل شده بر ملت ایران را از رهگذر نظریه‌های شناخته شده روابط بین‌الملل تجزیه و تحلیل کند. در این کتاب ضمن اشاره به شیوه‌های مختلف طبقه‌بندی نظریه‌های جنگ در سه مبحث آغاز، تداوم، و پایان جنگ، مهم‌ترین نظریه‌های سیاست خارجی در قالب چهار پارادایم واقع‌گرایی، لیبرالیسم، برساخت‌گرایی، و مارکسیسم تبیین و تحلیل شده است. از جمله نظریه‌های بررسی شده در این کتاب، نظریه موازنه قوا، نظریه مطلوبیت موردانتظار، نظریه انتقال قدرت و جنگ‌های هژمونیک، نظریه فشار جانبی و نظریه حمله-دفاع است. ۴- کتاب «آغاز تا پایان: بررسی وقایع سیاسی-نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس»^۲ تألیف محمد درودیان. این کتاب وقایع سیاسی-نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس را در نه فصل بررسی می‌کند. درودیان در فصل آخر کتاب با عنوان «پایان جنگ»، حوادث منتهی به پذیرش قطعنامه از سوی ایران و تجاوز دوباره عراق به ایران و ناموفق بودنش در این کار را بررسی می‌کند. ۵- کتاب «مجموعه اسناد روز شمار جنگ». این کتاب را مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و در قالب بیش از ۵۰ جلد، به کوشش حسین اردستانی، هادی نخعی، یدالله ایزدی، علی‌رضا لطف‌الله‌زادگان و... چاپ کرده است. این کتاب ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی ۸ سال جنگ تحمیلی را بررسی می‌کند. ۶- کتاب «تاریخ سیاسی و نظامی جنگ عراق با ایران»^۳ تألیف آقایان علی‌اکبر ولایتی، اصغر صادقی یکتا و محمود یزدان‌فام. این کتاب در دو بخش به ریشه‌ها و زمینه‌های شروع جنگ، بازپس‌گیری خرمشهر، صدور قطعنامه ۵۹۸ و عملکرد ایران قبل و بعد از پذیرش قطعنامه پرداخته است. ۷- کتاب «جنگ به روایت فرمانده»^۴ تألیف محسن رضایی. این کتاب شامل مجموعه درس‌گفتارهای ایشان در دوره‌های آموزشی در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ است که در قالب ده فصل تنظیم شده است و در تحقیق حاضر از آخرین فصل آن مقاله «توسعه تجربی در جنگ» بیشتر استفاده شده است. در پیشگفتار این کتاب آمده است که تاریخ دفاع مقدس را به روش‌هایی گوناگون هم‌چون روش «فرمانده‌محور»، روش «رویکردمحور»، و روش «موضوع‌محور» می‌توان بررسی کرد و کتاب حاضر ترکیبی از این روش‌ها است. مقدمه این کتاب به قلم غلام‌علی رشید است که بخشی از آن در توصیف قدرت فرماندهی محسن رضایی در دوره جنگ است. ۸- کتاب «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق»^۵ تألیف حسین اردستانی. این کتاب به بررسی تحولات سیاسی-نظامی ایران از تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷ پرداخته است. اردستانی به عنوان فردی نظامی، در این کتاب بیشتر بر بعد نظامی جنگ و پیامدهای آن تأکید کرده است.

۱. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۹۲). جنگ ایران و عراق از نگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات صفحه جدید.
۲. درودیان، محمد. (۱۳۹۱). آغاز تا پایان: بررسی وقایع سیاسی-نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس. (چاپ ۱۷). تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
۳. ولایتی، علی‌اکبر و... (۱۳۸۰). تاریخ سیاسی و نظامی جنگ عراق با ایران. تهران: دفتر نشر معارف اسلام.
۴. رضایی میرقائد، محسن. (۱۳۹۰). جنگ به روایت فرمانده. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۵. اردستانی، حسین. (۱۳۷۹). تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق. تهران: مرکز اسناد

۹- کتاب «جنگ ایران-عراق: اولین جنگ خلیج (۱۹۸۰-۱۹۸۱)» اثر «پیر رزو». مؤلف این کتاب را بر پایه آرشیوهای نظامی، و مصاحبه‌های شفاهی با فرماندهان صدام نگاشته است. او به این معمای تاریخی پاسخ می‌دهد که چرا صدام این جنگ پرهزینه و در نهایت بی نتیجه را آغاز کرد. ۱۰- کتاب «ریشه‌های تهاجم»^۲ تألیف فرهاد درویشی. ویژگی این کتاب آن است که خود مؤلف در طول هشت سال دفاع مقدس نقشی مؤثر و مستمر در جنگ داشته است، از جمله حضور مستقیم در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس؛ بنابراین درکی درست و همه‌جانبه از جنگ دارد. ۱۱- کتاب «جنگ تحمیلی و قطعنامه ۵۹۸ با تأکید بر رفتارشناسی امام خمینی»^۳ تألیف افشین ترکرانی. این کتاب دیدگاه‌ها، نظرات، برخوردها و واکنش‌های امام از زمان تصویب تا مرحله پذیرش قطعنامه را بررسی کرده است. ۱۲- کتاب «دیپلماسی ایران و قطعنامه ۵۹۸»^۴ تألیف ایرج همتی. نویسنده این کتاب تلاش کرده است تا سیر دیپلماسی ایران در جنگ با عراق را تحلیل و تبیین کند. اسناد اطلاعات دفاع مقدس، اسناد وزارت امور خارجه ایران، و مصاحبه با فرماندهان جنگ از جمله منابع مهم کتاب مذکور به شمار می‌آیند.

تعریف مفاهیم جنگ

جنگ پدیده اجتماعی شگفت‌انگیزی است که درباره آن همانند سایر مفاهیم، تعریف‌هایی گوناگون بیان شده است که هر کدام بیانگر نگرشی خاص به جنگ است. برای نمونه گاستون بوتول^۵ جنگ را خشونت سازمان یافته می‌داند که دو یا چند کشور علیه همدیگر انجام می‌دهند؛ این تعریف، جنگ‌های داخلی را دربر نمی‌گیرد. کلاوزوتیس^۶ معتقد است جنگ، به‌کارگیری حد اعلاي خشونت در راه خدمت به دولت یا کشور است (بوتول، ۱۳۷۴، ص ۲۱). از جنگ ایران و عراق با عناوینی مختلف مانند دفاع مقدس، جنگ تحمیلی، و جنگ اسلام و کفر یاد شده است. امام خمینی رهبر انقلاب با تعریفی جدید از جنگ و جهاد و دفاع، ماهیت تجاوز عراق به ایران و هدف اصلی از این اقدامات را در چارچوب اسلام و کفر (حق و باطل) توضیح می‌دادند. مبنای تفکر امام درباره جنگ بر پایه ماهیت حکومت ایران و عراق بود. ایشان اقدامات عراق علیه ایران را عملی الحادی و کفرآمیز می‌دانستند (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۱۰۵).

صلح

لغت صلح در فارسی به معنای سازش، آشتی، سازش کردن، آشتی کردن، کنار گذاشتن جنگ و توافق و پیمانی است که برحسب آن دعوایی را حل و فصل می‌کنند (معین، ۱۳۸۶،

۱. رزو، پیر. (۲۰۱۵). *The Iran-Iraq War*. (ترجمه از فرانسوی به انگلیسی: نیکولاس ایوت) انتشارات دانشگاه هاروارد.

۲. درویشی، فرهاد. (۱۳۹۴). *ریشه‌های تهاجم*. تهران: انتشارات پیمان.

۳. ترکرانی، افشین. (۱۳۹۲). *جنگ تحمیلی و قطعنامه ۵۹۸ با تأکید بر رفتارشناسی امام خمینی*. تهران: انتشارات اردیبهشت جانان.

۴. همتی، ایرج. (۱۳۹۲). *دیپلماسی ایران و قطعنامه ۵۹۸*. تهران: انتشارات صفحه جدید.

5. Gaston Butule

6. Carl von Clausewitz.



ص ۶۴۶). ولی از مفهوم اصطلاح صلح دو تعریف عرضه می‌شود؛ در تعریف اول برخی صلح را در برابر جنگ عنوان می‌کنند و در تعریف دوم مفهوم صلح به‌طور مستقل بررسی می‌شود.

مرز

مرز در مفهوم سیاسی به‌عنوان معیار جداسازی واحدهای حکومتی و تعیین قلمروی قدرت اجرایی هر نوع حاکمیتی مطرح شده‌است. این معیارهای جداسازی می‌تواند طبیعی یا مصنوعی باشد؛ ولی توافق دو طرف و قراردادی بودن از مشخصه‌های اصلی مرزها محسوب می‌شود. منافع سیاسی، اقتصادی، استراتژیکی و اجتماعی و دخالت کشورهای استعماری باعث ایجاد اختلافاتی در مرزهای بین‌کشورها شده‌است که گاهی به نزاع، کشمکش و جنگ‌های خونین هم انجامیده‌است. مرزهای بین دو واحد سیاسی مستقل به چند شکل مرز خشکی، مرز آبی، و مرز هوایی وجود دارند و در شکل‌دهی به مناسبات سیاسی و اقتصادی میان حکومت‌ها نقشی برجسته به‌عهده دارند (مهاجرانی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۱).

قطعنامه

قطعنامه حاصل تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد است که بعد از تبادل نظر دربارهٔ موضوعات مورد بحث به رأی گذاشته می‌شود. برای پذیرش یک قطعنامه، باید دست‌کم ۹ عضو از پانزده عضو شورای امنیت به آن رأی مثبت دهند و هیچ‌یک از اعضای دائم هم به آن رأی مخالف ندهند (شایگان‌فرد، ۱۳۸۳، ص ۱۴).

علل تداوم جنگ ایران و عراق پس از فتح خرمشهر

یکی از پرسش‌های مهم در حوزهٔ تاریخ‌نگاری جنگ، چرایی تداوم جنگ بعد از فتح خرمشهر است. برای پاسخ به این پرسش، ابتدا لازم است تا پیشنهادها مطرح شده برای پایان دادن به جنگ بررسی شود. از آغاز تهاجم رسمی عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا پایان سال ۱۳۶۹، شورای امنیت سازمان ملل مجموعاً ۱۴ قطعنامه و ۱۵ بیانیه صادر کرد (پارسادوست، ۱۳۶۹، ص ۲۶۹)؛ ولی به‌جز قطعنامهٔ ۵۹۸ هیچ‌کدام از قطعنامه‌های قبلی اهداف مشروع و خواسته‌های ایران را تأمین نکرد و دولت ایران به‌علت آنکه در هیچ‌کدام از این قطعنامه‌ها، تمهیداتی برای معرفی کشور متجاوز و تنبیه آن اندیشیده نشده بود، حاضر به پذیرش آن‌ها نشد. در هیچ‌یک از قطعنامه‌های ۴۷۹، ۵۱۴، ۵۲۲، ۵۴۰، ۵۵۲، ۵۸۲،

و ۵۸۸ شورای امنیت، به عقب‌نشینی بدون قید و شرط عراق به مرزهای بین‌المللی، و تعیین کشور متجاوز و پرداخت خسارت توجه نشده بود (درودیان، ۱۳۸۲، ص ۱۹۸). نکته دیگر آن است که تمام قطعنامه‌های صادر شده، به صورت توصیه تنظیم شده بودند و واضح است که کارایی این نوع قطعنامه‌ها از قطعنامه‌هایی که براساس تصمیم صادر می‌شوند، پایین‌تر است؛ چراکه در قطعنامه‌های توصیه‌ای کشور متجاوز می‌تواند از تعهداتش شانه خالی کند. به‌طور عمده نتایج مطالعات و تحقیقات پیشین درباره شرایط جنگ در بعد از فتح خرمشهر نشان می‌دهد که خارج‌نشدن کامل نیروهای عراقی از خاک کشور، گرفتن خسارت، و معرفی کشور متجاوز از علل اساسی و تأثیرگذار در نپذیرفتن پیشنهادهای آتش‌بس از سوی ایران و در نتیجه تداوم جنگ بوده است. در ادامه با استفاده از اسناد اطلاعاتی و منتشر نشده جنگ و نیز جمع‌آوری نظرات برخی از فرماندهان و مسئولان آن مقطع از جنگ، یافته‌های دیگری را در زمینه تداوم جنگ عرضه می‌کنیم.

۱. نبود پیشنهاد صلح واقعی از سوی دولت عراق

دولت عراق اگرچه در هفتمین روز از جنگ خواستار آتش‌بس شد و به‌ظاهر از قطعنامه‌ها و بیانیه‌های شورای امنیت سازمان ملل برای آتش‌بس حمایت کرد، ولی با بررسی اسناد یافته‌شده مشخص می‌شود که عراق در اصل خواستار پایان جنگ نبوده و همچنان بر مواضع تجاوزکارانه خود پافشاری می‌کرده است؛ چنان‌که عدنان خیرالله^۱ وزیر اسبق دفاع عراق در این باره گفته بود: «عراق خواستار بازپس‌گیری اراضی مرزی و کنترل بر اروندرود است و تا زمان تحقق کامل اهدافش به جنگ ادامه خواهد داد» (ماد، شماره سند ۳۸۶۵، کد S-۱۹۸۶). از طرفی تاکتیکی بودن پیشنهاد مطرح‌شده درباره آتش‌بس برای خاتمه جنگ حتی به‌نوعی در حرف‌های مقامات سیاسی منطقه هم مشهود است؛ به‌طوری‌که دبیر اول سفارت عربستان بیان می‌کند که صدام حسین به دلیل شرایط بد داخلی و نابسامانی نیروهای نظامی، به دنبال صلح با ایران بود. این مقام در ادامه می‌افزاید که دو کشور لیبی و سوریه نیز خواهان پیمان نظامی با ایران برای ادامه جنگ علیه حکومت صدام بودند و تلاش می‌کردند تا پس از سرنگونی صدام حسین نیروهای وابسته به خود را در عراق روی کار بیاورند (ماد، شماره سند ۵۴۴۶، کد S-۱۹۷۵). بنابراین تلاش عراق برای تحقق اهداف تجاوزکارانه‌اش یکی دیگر از علل نپذیرفتن قطعنامه‌ها از سوی ایران و در نتیجه تداوم جنگ بوده است.

۱. ارتشبد عدنان خیرالله طلفاح (۱۹۳۹-۱۹۸۹) وزیر دفاع ارتش عراق و یکی از اعضای بلندپایه و اصلی حزب بعث در زمان جنگ ایران و عراق بوده است (رمضان، ۱۳۹۴، ص ۲۳۴).



۲. اوضاع داخلی ایران

عراق با تصرف بخش‌هایی از سرزمین ایران، خسارت‌های مادی و معنوی بسیاری را وارد ساخته بود؛ بنابراین اوضاع داخلی ایران ثبات کافی نداشت. BBC در این باره چنین تحلیل می‌کند که ایران خواهان پایان جنگ نیست؛ زیرا از رویارویی با مسائل داخلی در هراس است. مردم در پس از پایان جنگ، رفاه و بهبودی اوضاع را از مقامات ایرانی انتظار خواهند داشت؛ در حالی که جوابی قانع‌کننده برای این انتظارات وجود ندارد. فرد هالیدی درباره علل تداوم جنگ از سوی ایران در آن دوره چنین گزارش می‌دهد: امنیت ایران بایستی تأمین شود و این امر با وجود نیروهای عراقی در خاک ایران امکان‌پذیر نیست. از طرفی مردم ایران با خسارات بزرگی که متقبل شده‌اند، از رهبر خود پیروزی‌ای چشمگیر در جنگ را انتظار دارند (ماد، شماره سند ۱۶۲۰۸۷۱۲، کد S-۱۹۸۵). هم‌چنین در سند منتشر نشده دیگری از مجموعه اسناد وزارت خارجه، علت ادامه جنگ از سوی ایران، بحران اقتصادی داخلی و ناتوانی نهادهای انقلابی در حل آن ذکر شده است. در این سند به ترس از ارتش برای تصاحب قدرت نیز اشاره شده است؛ چراکه ارتش تنها نهادی بوده که می‌توانسته است فارغ از بحران‌های کشور انسجام داخلی خود را حفظ کند (ماد، شماره سند ۱۶۲۰۸۷۱۱، کد S-۱۹۸۵). درباره این ادعا که بی‌ثباتی داخلی به‌ویژه در بخش اقتصادی و سیاسی موجب تداوم جنگ شده است، لازم است توضیح داده شود که اگرچه وقوع جنگ و کاهش درآمد ارزی مشکلاتی عمده را به وجود آورده بود و بسیاری از صنایع کشور را به علت وابستگی به خارج تعطیل کرده بود، ولی به تدریج و با توجه کردن به این مشکلات، در هدف‌ها و سیاست‌های ارزی و بازرگانی خارجی کشور تجدیدنظر شد و مراکز تهیه و توزیع کالاهای وارداتی تشکیل شد و دولت مجبور شد برای واردات به سهمیه‌بندی کالاهای اساسی و ایجاد سهمیه‌بندی ارزی دست بزند و در زمینه فعالیت‌های اقتصادی، بیشتر دخالت کند. دولت از اواخر سال ۱۳۶۱ و اوایل سال ۱۳۶۲ به علت افزایش مجدد قیمت نفت سیاست ذخیره‌سازی نیازهای اساسی کشور از طریق واردات را در پیش گرفته بود و انبارها را از انواع کالاها انباشته بود؛ بنابراین ایران در سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ چندان مشکل اقتصادی‌ای نداشت. به لحاظ سیاسی نیز نوعی اتحاد بین سپاه و ارتش ایجاد شده بود و مجاهدین خلق هم به خارج از کشور فراری داده شده بودند.

۳. نظام بین‌الملل

عملکرد نظام بین‌الملل از عوامل اصلی تداوم جنگ ایران و عراق بود؛ از جمله فروش تجهیزات نظامی به عراق از سوی شوروی و آمریکا در دوره رقابت جنگ سرد. در آن مقطع

۱. بررسی نارسایی‌ها و وابستگی‌های کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور در سال ۱۳۵۸ (منتج از آمارگیری کارگاه‌های بزرگ صنعتی، ۱۳۵۹، مرکز آمار ایران).



مقامات آمریکایی نگرانی عمیق خود را از جنگ ایران و عراق ابراز داشتند و آن را موجب ازهم گسیختن ایران و کاری به سود شوروی دانستند (نیویورک تایمز، ۱۹۸۰/۹/۲۳، ص ۷). برتری نظامی ایران پس از فتح خرمشهر هم سبب ایجاد نگرانی برای حامیان منطقه‌ای و جهانی عراق شد؛ زیرا تصور آنان از جنگ این بود که با فشار نظامی بر ایران انقلاب ناآرام ایران را می‌توان مدیریت کرد؛ ولی پیروزی ایران در عملیات بیت‌المقدس برای منطقه مخاطره‌آمیز تلقی شد (درودیان، ۱۳۸۹، ص ۲۵۰)؛ چنان‌که هنری کیسینجر^۱ صاحب نظریه «جنگ بدون برد»^۲ اظهار داشته بود: «جنگ ایران و عراق نه یک برنده، بلکه دو بازنده باید داشته باشد» (کیسینجر، ۱۳۹۶، ص ۲۵۶). بنابراین به علت نفوذ آمریکا، سازمان ملل متحد که تنها سازمان حافظ صلح بین‌المللی محسوب می‌شود، تلاشی مناسب برای پایان دادن به جنگ انجام نداد و حتی قطعنامه‌ها و بیانیه‌هایی را هم که صادر می‌کرد، مشوق و تداوم‌بخش جنگ بود. بدین ترتیب با آزادسازی مناطق اشغالی و عقب‌رفتن نیروهای عراق طی عملیات بیت‌المقدس، تحولی استراتژیک در روند جنگ به وجود آمد و از این دوره جنگ به داخل خاک عراق کشانده شد. تا پیش از آزادسازی خرمشهر، نگاه دیگر کشورها به ایران به گونه‌ای بود که گویا ایران قدرتی چندان در برابر عراق ندارد و راهی جز پذیرش شرایط دشمن ندارد؛ ولی ایران توانست طی چهار عملیات موفقیت‌آمیز عراق را به عقب براند و خود را در موقعیت برتر نظامی قرار دهد (رضایی میرقائد، ۱۳۷۴، ص ۸۳). با توجه به تغییر در شرایط و ماهیت جنگ و نیز دخالت‌های نظام بین‌الملل در جنگ، ایران تنها سه راه حل برای پایان دادن به جنگ داشت:

۱. بدون در نظر گرفتن خواسته‌های خود، پیشنهادهای آتش‌بس را به عنوان پیش شرط هرگونه اقدام دیگری بپذیرد؛
 ۲. مخاصمه را بدون اتمام جنگ ترک کند؛ بدین معنا که آتش‌بس را با همان شرایط بپذیرد و از ورود به خاک عراق خودداری کند و در مرزهای خود مستقر شود؛
 ۳. برای تأمین صلح شرافتمندانه تلاش نظامی کند (درودیان، ۱۳۹۱، ص ۲۵۰).
- ایران با در نظر گرفتن تمام ملاحظات راه‌حل دیگری به جز گزینه سوم فراروی خود نداشت و مجبور بود جنگ را برای رسیدن به دو هدف اصلی‌اش یعنی حفظ تمامیت ارضی کشور و تحقق مبانی ایدئولوژی و آرمان‌های انقلاب ادامه دهد.

علل ناکامی تلاش هیئت‌های صلح

پس از پیروزی ایران در خرمشهر، حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی عراق، مثل عربستان و آمریکا سعی داشتند تا ایران را در مسیر مصالحه قرار دهند و از پیروزی‌های بعدی

۱. هنری آلفرد کیسینجر (Henry Alfred Kissinger) در ۲۷ می ۱۹۲۳م در کشور آلمان متولد شد. او دیپلماتی آمریکایی است که برنده جایزه صلح نوبل نیز شده است. او به عنوان مشاور امنیت ملی و سپس به طور هم‌زمان به عنوان وزیر امور خارجه در دولت‌های ریچارد نیکسون و جerald فورد فعالیت کرده است. امروزه در محافل آکادمیک او را به عنوان احيایگر اندیشه‌های ژئوپلیتیکی پس از جنگ جهانی دوم، می‌شناسند.

2. War without a win



جلوگیری کنند؛ بنابراین کشورهای عرب منطقه به همراه آمریکا و غرب در راستای حفظ حکومت عراق و فشار بر ایران، تلاش‌های خود را برای صلح آغاز کردند. لازم به ذکر است که تلاش برای میانجیگری و صلح بین طرفین، از همان آغاز جنگ شروع شده بود و هریک از میانجی‌گران سعی داشتند تا با تشویق دو کشور به مذاکره و عرضه پیشنهادهایی برای پایان جنگ، به منازعه خاتمه دهند؛ ولی هیچ‌یک از این تلاش‌ها موفقیت‌آمیز نبود. در آن دوره احمد سکوتوره رئیس‌جمهور گینه و رئیس هیئت حسن نیت کشورهای اسلامی از جمله نخستین کسانی بود که اقدام برای میانجیگری بین ایران و عراق را مطرح کرد و از سران عرب و کشورهای حوزه خلیج فارس درخواست کرد تا برای پایان دادن به بحران موجود بین ایران و عراق تلاش کنند (ماد، شماره سند ۱۵۶/۸، کد S-۱۹۹۴). نکته مهم در این‌باره تقاضای صدام حسین از احمد سکوتوره برای میانجیگری و تشکیل کمیته‌ای برای روشن کردن حقایق جنگ بود (رضایی میرقائد، ۱۳۹۰، ص ۱۱۶). به نظر می‌رسد که این درخواست صدام برای پایان جنگ، نوعی تاکتیک عملیاتی برای جلوگیری از ورود نیروهای ایرانی به داخل خاک عراق بوده است. یاسر عرفات رئیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین هم برای میانجیگری درباره وضعیت مرزهای ایران و عراق نامه‌ای به صدام حسین نوشت و توقف جنگ را خواستار شد. این در حالی بود که اردن و قطر حمایت خود را از عراق در درگیری با ایران اعلام کردند (الشرق الاوسط، ۱۹۸۱/۹/۲۲، ص ۷). محسن رضایی درباره چرایی تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر و نپذیرفتن پیشنهاد هیئت‌های مذاکره‌کننده برای پایان جنگ چنین می‌گوید: «این که پس از فتح خرمشهر جنگ شش سال ادامه پیدا کرد، به این علت بود که هیچ پیشنهاد صلحی وجود نداشت و درحقیقت ایران در آن شش سال آخر فقط برای پایان دادن به جنگ می‌جنگید. علت این مطلب هم این است که با اولین پیشنهاد صلحی که به ایران داده شد، ایران استقبال کرد و آن را پذیرفت که همان قطعنامه ۵۹۸ است.» هم‌چنین ایران با توجه به سابقه تاریخی و شناختی که از شخصیت صدام حسین داشت، صلح بدون تضمین لازم را نمی‌پذیرفت؛ زیرا هیچ اعتمادی به دولت عراق نداشت. بنابراین تلاش عراق و مجامع بین‌المللی و کشورهای منطقه برای حل مسئله، نه از روی اعتقاد بلکه به علت شرایط حادی بود که آن‌ها را در موضع ضعف قرار داده بود و منافعشان را تهدید کرده بود. در آن شرایط خواست ایران برای پایان دادن به جنگ شامل خروج بی‌قید و شرط نیروهای عراقی از سرزمین‌های اشغالی، تعیین و تنبیه متجاوز، و پرداخت غرامت جنگی بود (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، شماره ۳۱۱، ۱۳۶۱/۲/۲۰). البته بنابه گفته هاشمی رفسنجانی، شورای عالی دفاع تصمیم گرفته بود که شرط دیگری را هم به شروط آتش‌بس و صلح اضافه کند و آن شرط این بود

که برای انتقال نیروهای رزمنده به قدس برای کمک به مردم لبنان در مقابل اسرائیل، راهی از خاک عراق در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار داده شود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۳، ص ۲۴). خبرگزاری رویتر به نقل از منابع دیپلماتیک گزارش می‌دهد که ایرانیان به علت این که پیروزند، به مذاکره حاضر نیستند؛ زیرا خون‌های ریخته شده در این جنگ و تنفر ایجاد شده بیش از آن است که دیگر جایی برای مذاکرات صلح باقی بگذارد (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، شماره ۳۱۱، ۱۳۶۱/۲/۲۰). در مجموع اگر بخواهیم علل ناکامی تلاش هیئت‌های اعزامی برای پایان دادن به جنگ را با توجه به وضعیت داخلی ایران تجزیه و تحلیل کنیم، باید گفت که شرایط ایران در بعد از فتح خرمشهر به گونه‌ای بوده است که اگر اقدامی انجام نمی‌داد و در مرزهای خود توقف می‌کرد، جنگ راکد می‌ماند و این توقف به نفع عراق و به ضرر ایران بود؛ زیرا عراق اگرچه از خرمشهر بیرون رانده شده بود، ولی هنوز قسمت‌هایی از خاک ایران را در تصرف داشت و رکود جنگ به معنای شناسایی دوفاکتوی مناطق تصرف شده محسوب می‌شد. ثانیاً عراق با استفاده از فرصت زمانی ایجاد شده به اوضاع داخلی خود رسیدگی و آثار شکست را جبران می‌کرد و بر آمادگی خود می‌افزود. ثالثاً رکود جنگ باعث تضعیف روحیه رزمندگان ایران می‌شد و از جهت تبلیغاتی نیز برای ایران سودی نداشت. در چنین شرایطی ایران برای اعمال فشار بر عراق و تحقق شرایط خود، تدارکی وسیع دید و به قصد ورود به خاک عراق و تسخیر بصره - به عنوان اهرم فشار - تهاجم خود را آغاز کرد.

علل صدور قطعنامه ۵۹۸

در سال ۱۳۶۴ دو اتفاق مهم برای ایران روی داد؛ یکی انجام عملیات والفجر ۸ در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۱ و تصرف جزیره فاو، و اتفاق مهم دیگر ماجرای مک فارلین که از آن بانام ماجرای «ایران گیت»^۱ یاد می‌شود. جیمز بیل^۲ نویسنده کتاب «عقاب و شیر» به چند دسته از عوامل تاکتیکی و استراتژیکی درباره تمایل آمریکا برای نزدیک تر شدن به ایران در آن دوره از جنگ اشاره می‌کند که مهم ترین آن‌ها آزادی اتباع گروگان گرفته شده در لبنان، القاء خطر نفوذ شوروی به داخل ایران، جلوگیری از صدور انقلاب و تأثیر تصمیمات ایران بر قیمت نفت بوده است (بیل، ۱۳۷۱، ص ۴۹۴). البته هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود، قصد واقعی آمریکا را از این اقدام بی‌آینده بودن دولت صدام، جلوگیری از نزدیک شدن ایران به اردوگاه شرق، و نیاز غرب به فروش اسلحه به ایران بیان می‌کند (رحمانی، ۱۳۸۳، صص ۱۴-۱۵). به هر حال با نپذیرفتن مک فارلین (فرستاده ویژه آمریکایی‌ها) برای کمک تجهیزاتی به ایران و رسوایی این ماجرا در محافل سیاسی خارجی، آمریکا به حمایت قاطع

1. Iran Gate

2. Jamez bill.



از عراق روی آورد و در دو فاز نظامی و سیاسی به شکل زیر وارد عمل شد:

الف. نظامی: ۱. تقویت ناوگان دریایی خود و اعزام ناوهایش به منطقه خلیج فارس؛
۲. قراردادن اطلاعات نظامی آواکس‌ها و ماهواره‌هایش در اختیار دولت عراق (رحمانی، ۱۳۸۳، ص ۳۷).

ب. سیاسی: ۱. فشار به دولت‌ها برای اعمال تحریم اقتصادی و تسلیحاتی علیه ایران؛
۲. تلاش در شورای امنیت سازمان ملل برای فشار بیشتر به ایران (پارسادوست، ۱۳۷۱، ص ۲۷۴). اعمال فشارها بر ایران بعد از ماجرای مک فارلین باعث شد تا ایران برای رویارویی با وضعیت جدید ایجاد شده در نظام بین‌الملل، تلاش‌هایی وسیع را برای انجام عملیاتی «سرنوشت‌ساز» در جنگ آغاز کند. بدین منظور عملیات کربلای ۴ در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۳، با هدف تصرف شهر ابوالخصب واقع در جنوب اروندرود و حومه بصره انجام شد؛ ولی نتیجه عملیات کربلای ۴ به شکلی نامطلوب موقعیت برتر ایران را - که با فتح فاو حاصل شده بود - تحت تأثیر قرار داد و وضعیت روحی بدی را در فرماندهان ایران به وجود آورد (غلام‌پور، ۱۳۸۸، ص ۲۸۶). البته با پیروزی ایران در عملیات کربلای ۵ ضمن جبران بحران روحی ناشی از شکست در کربلای ۴، مواضع دشمن در شرق بصره در هم شکسته شد. هم‌چنین دستاورد دیگر عملیات کربلای ۵ فراهم کردن زمینه صدور قطعنامه ۵۹۸ بود (هیوم، ۱۳۷۶، ص ۴۴). البته جدا از نتیجه عملیات کربلای ۵ چند عامل مهم دیگر هم در صدور قطعنامه ۵۹۸ تأثیرگذار بودند که مهم‌ترین آن‌ها انجام عملیات‌های متعدد نیروهای ایران در داخل خاک عراق و تصرف فاو، و نیز بازگذاشتن دست عراق برای هرگونه اقدام غیرانسانی در جنگ مانند گسترش حمله به شهرها و استفاده از سلاح‌های شیمیایی بود (الله‌کرم، مصاحبه، ۱۳۹۳/۹/۲۶). با توجه به مطالب گفته شده چنین به نظر می‌رسد که ترس و نگرانی نظام بین‌الملل و حامیان عراق از ادامه جنگ و در نتیجه سقوط صدام، و نیز اعاده حیثیت سازمان ملل متحد به عنوان نهاد حافظ صلح بین‌المللی قابل توجه باشد؛ زیرا شورای امنیت با صدور قطعنامه‌هایی بی‌حاصل ناتوانی خود را در اذهان جهانی تقویت می‌کرد. بنابراین لازم بود تا برای نمایش قدرت و نشان دادن توانایی و صلاحیت خود در حل مناقشات بین‌المللی، قطعنامه‌ای جدید صادر کند که دست‌کم امتیاز شناسایی متجاوز را به ایران بدهد.

مؤلفه‌های ملی تأثیرگذار در پذیرش قطعنامه ۵۹۸

فضای سیاسی و نظامی داخل کشور در سال‌های منتهی به پایان جنگ به گونه‌ای بود که نوعی تردید و اختلاف نظر در بین مسئولان و تصمیم‌گیرندگان اصلی جنگ، برای

۱. این عملیات‌ها عبارت بودند از: عملیات کربلای ۴ در غرب اروندرود؛ کربلای ۵ در شلمچه و غرب اروندرود و کانال پرورش ماهی؛ کربلای ۶ در شمال سومار؛ کربلای ۷ در شمال غرب ایران؛ کربلای ۸ در شرق بصره و غرب کانال پرورش ماهی؛ کربلای ۹ در قصر شیرین؛ کربلای ۱۰ در شمال شهر ماووت عراق و مقابل سردشت؛ هم‌چنین عملیات فتح ۱ در منطقه کرکوک؛ فتح ۲ در شمال شرقی و داخل مرز عراق؛ فتح ۳ در عمق ۳۰۰ کیلومتری داخل خاک عراق در محدوده دهوک و زاخو؛ عملیات فتح ۴ مجدداً در منطقه کرکوک؛ فتح ۵ در سلیمانیه و جوارته و ماووت عراق؛ فتح ۶ در شمال اربیل عراق؛ فتح ۷ در سیدصادق و حلبچه عراق؛ فتح ۸ در شمال استان موصل؛ عملیات نصر ۲ و ۳ در شمال اربیل عراق؛ نصر ۴ در شمال عراق؛ نصر ۵ در غرب ایران؛ و عملیات والفجر ۹ در اطراف شهر سلیمانیه عراق (اطلس تیرهای ماتنگار، ۱۳۹۲).

ادامه یا پایان جنگ دیده می‌شد. در آن مقطع چند نامه مهم درباره مشکلات اقتصادی کشور و کمبود نیروی انسانی و تجهیزات نظامی خدمت امام ارسال شد که در تصمیم ایشان برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ مؤثر بود (غلام‌پور، (مصاحبه)، ۱۳۹۳/۹/۲۶). باتوجه به محتوای نامه‌های ارسالی چنین به نظر می‌رسد که طبق نظریه تهدید نظم ثانوی، هزینه ادامه جنگ برای ایران به مراتب بیشتر از پذیرش قطعنامه پایان جنگ بوده است؛ زیرا ایران از یک طرف برای ادامه جنگ به تجهیزاتی نیاز داشت که در اختیارش نبود و از سوی دیگر اراده و خواست نظام بین‌الملل برای پایان دادن به جنگ، ایران را با شدیدترین تحریم‌های تسلیحاتی و اقتصادی مواجه می‌کرد. نکته مهم دیگر درباره جنگ ایران و عراق گزارش دبیرکل سازمان ملل به شورای امنیت بود که در آن ایران به عنوان مسئول تداوم جنگ در بعد از فتح خرمشهر شناخته شده بود (ماد، شماره سند ۲۳۲۴۶، کد S-۱۹۸۵)؛ این در حالی بود که دولت عراق با پاسخ مثبت به طرح‌ها و اقدامات کنشگران بین‌المللی و منطقه‌ای سعی می‌کرد تا چهره‌ای مثبت از خود در افکار عمومی جهان نشان دهد. در مجموع باتوجه به مطالب گفته شده و هم‌چنین نظریه‌های مطرح شده درباره پایان دادن به جنگ‌ها، علل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ ایران و عراق براساس مؤلفه‌های قدرت ملی بررسی می‌شود:

۱. قدرت نظامی: قدرت نظامی به دلیل نقشش در بازدارندگی از تهدید و در مقابله با کشورها یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت و قدرت ملی به‌شمار می‌رود. اوضاع نظامی ایران در سال‌های پایانی جنگ تحت‌الشعاع فعالیت‌های دیپلماتیک قرار گرفته بود و این موضوع باعث غفلت نسبی از جبهه‌ها و ایجاد تردید در میزان موفقیت‌های نظامی شده بود. تغییر فاز نظامی به فاز سیاسی در استراتژی جمهوری اسلامی ایران در حالی انجام شد که در عراق عکس این قضیه در حال انجام بود؛ بدین ترتیب که در عراق سیاست در خدمت نظامی‌گری درآمده بود (درودیان، ۱۳۸۷، ص ۹). از طرفی دولت‌های غربی مثل آلمان، فرانسه و انگلیس، تجهیزات نظامی فراوانی را در زمینه تولید سلاح‌های شیمیایی و موشکی در اختیار عراق قرار دادند. هم‌چنین حجم مبادلات عراق از ۳۷۴/۸ میلیون دلار در سال ۱۹۸۷ به ۸۲۶/۸ میلیون دلار در سال ۱۹۸۸ (سال آخر جنگ) افزایش پیدا کرد (درودیان، ۱۳۸۷، ص ۳۴).

۲. اقتصاد: مشکلات اقتصادی ایران در سال‌های پایانی جنگ تشدید شد و این موضوع امکان ادامه جنگ را به ایران نمی‌داد. مسئولان اقتصادی کشور نیز اعلام کردند که امکانات اقتصادی، بودجه، درآمد و هزینه‌های کشور به خط قرمز رسیده است و این وضعیت دیگر برای کشور قابل تحمل نیست (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۲). در

این راستا قدرت‌های بین‌المللی به‌ویژه آمریکا برای فشار بیشتر بر ایران برنامه کاهش قیمت نفت و جلوگیری از صادرات نفت ایران با استفاده از تهاجمات عراق را طراحی کردند که این اقدام در تصمیم ایران برای پذیرش قطعنامه تأثیرگذار بود.

۳. نیروی انسانی: در آغاز جنگ، تمام اقشار جامعه وظیفه اصلی خود را درگیر شدن در جنگ می‌دانستند؛ ولی پس از فتح خرمشهر و به‌ویژه پس از فتح فاو، یعنی در مراحل پایانی جنگ، به‌علت تبلیغاتی ناهماهنگ که کار عراق را تمام‌شده تلقی می‌کردند و هم‌چنین تعیین سال سرنوشت‌ساز، ایران از برنامه‌ریزی و تدوین استراتژی‌ای دقیق و بلندمدت برای مدیریت نیروی انسانی در جبهه‌ها غافل شد و در نتیجه در سال آخر جنگ با مشکل نیروی انسانی مواجه شد. در این باره بنابه گفته محسن رضایی هنگامی که آقای هاشمی رفسنجانی در گزارشی به امام از مشکلات ادامه جنگ و کمبود نیروی انسانی سخن گفتند، امام فرمودند که در صورت نیاز حاضر است تا برای حضور نیروهای مردمی در جبهه فراخوان صادر کند (رضایی میرقائد، ۱۳۹۰، ص ۲۶۷). در طرف مقابل ولی تعداد نیروی انسانی عراق در دوره جنگ همواره بیشتر می‌شد و علت این برتری کمک کشورهای عربی منطقه در اعزام سرباز به عراق بود. بر این اساس عراق از طریق حمایت‌های مالی، نظامی و سیاسی کشورهای حامی خود، نه تنها توانست ارتش خود را حفظ کند، بلکه به تدریج بر تعداد نیرو و قدرت آن نیز افزود؛ بنابراین مؤلفه نیروی انسانی هم در تصمیم ایران برای خاتمه به جنگ مؤثر بوده است.

۴. جغرافیا: عراق از لحاظ ژئوپلیتیکی به‌علت محدودیت دسترسی به آب‌های آزاد خلیج فارس از جایگاهی چندان مهم برخوردار نبود و در انزوای ژئوپلیتیکی قرار داشت؛ بنابراین با درک اهمیت استراتژیکی و اکونومیکی اروندرود و شهر بندری خرمشهر برای تصرف این بخش از قلمرو سرزمین ایران، سیاست تهاجمی در پیش گرفت و تمرکز اصلی‌اش را در دوره جنگ بر منطقه جنوبی ایران گذاشت (درویشی، ۱۳۸۸، ص ۹۸). ولی برای ایران آنچه که بر اساس استراتژی ملی‌اش تعریف شده بود، انجام عملیاتی موفقیت‌آمیز برای خاتمه به جنگ بود که این موضوع با تصرف شبه‌جزیره فاو می‌توانست محقق شود. هاشمی رفسنجانی در این باره چنین می‌گوید: «فاو یکی از عملیات‌هایی بود که برای ختم جنگ طراحی کرده بودیم. هدف هم این بود که از جاده ساحلی به ام‌القصر برویم» (رحمانی، ۱۳۸۳، ص ۸۸). اهمیت سیاسی منطقه فاو برای مسئولان جمهوری اسلامی به قدری مهم بود که می‌پنداشتند تصرف فاو مشکلاتی شکننده برای دشمن به بار خواهد آورد و نتایج مثبت سیاسی آن پذیرش قطعنامه و پایان دادن به جنگ خواهد بود؛ چنان‌که این‌گونه نیز شد و شورای امنیت

سازمان ملل با تصرف فاو توسط ایران قطعنامه ۵۹۸ را صادر کرد.

۵. تغییر در مدیریت و سبک جنگ: تصمیم‌گیری راهبردی در دوره جنگ یکی از خطرناک‌ترین نوع تصمیمات نظامی-سیاسی است و از این جهت می‌تواند بر مسیر و نتیجه جنگ تأثیر بگذارد؛ این تصمیم را فرماندهان جنگ اتخاذ می‌کنند. از جمله سیاستمداران و فرماندهان دوران جنگ تحمیلی که نقشی مؤثر در تصمیمات راهبردی جنگ داشته، اکبر هاشمی رفسنجانی است که پس از فتح خرمشهر در ۳ خرداد ۱۳۶۱، به پایان جنگ از طریق «مذاکره سیاسی» معتقد بود. با توجه به تغییر رفتار نظامی عراق در سال ۱۳۶۱ و عقب‌نشینی‌اش از مناطق مرزی، جنگ در آن مقطع بیشتر جنبه سیاسی به خود گرفته بود. هاشمی رفسنجانی به عنوان هماهنگ‌کننده نیروهای مسلح طی حکمی در ۳۰ بهمن ۱۳۶۲ به سمت فرماندهی دنباله عملیات‌های موسوم به والفجرها منصوب شد. ایشان با توجه به واقعیات صحنه عملیات و شناختی که از قابلیت‌ها و توان نیروهای خودی و نیز توان و ظرفیت‌های ارتش عراق به دست آورده بود، با پیشنهاد تئوری «جنگ جنگ تا یک پیروزی» به فکر تصرف منطقه‌ای استراتژیک از خاک عراق افتاد تا بعدها از طریق «مذاکره سیاسی» و از موضع برتر به جنگ پایان دهد (رضایی میرقاند، ۱۳۷۴، ص ۴۹). در مقطع دوم از دوران فرماندهی هاشمی رفسنجانی که با گسترش جنگ شهرها، جنگ شیمیایی و جنگ نفت‌کش‌ها در خلیج فارس هم‌زمان بود، امام در ۱۲ خرداد ۱۳۶۷ عنوان «جانشین فرمانده کل قوا» را به ایشان داد. چنین به نظر می‌رسد که انتخاب هاشمی رفسنجانی به عنوان جانشین فرمانده کل قوا در سال ۱۳۶۷، اقدامی حساب‌شده و زمینه‌ساز پایان جنگ بوده است؛ چراکه اقدامات و مذاکرات سیاسی ایشان در این راستا بوده است. مهم‌ترین اقدامات ایشان در سال آخر جنگ عبارت بود از:

۱. تشکیل ستاد جنگ؛
۲. گرم نگه‌داشتن جبهه‌ها توسط سپاه و آجا؛
۳. اجرای عملیات‌های آفندی در جنوب؛
۴. تهیه مقدمات پذیرش قطعنامه؛
۵. پیگیری‌های سیاسی و نظامی؛
۶. توسعه جنگ از زمینی به دریا (جنگ نفت‌کش‌ها)؛
۷. افزایش سفرهای سیاسی به کشورها؛
۸. پیشنهاد جانشینی فرمانده جنگ به محسن رضایی، و توسعه‌ندادن رزم نزاجا (بختیاری، (مصاحبه)، ۱۳۹۴/۲/۱۶).

مهم‌ترین تفاوت دوره فرماندهی هاشمی رفسنجانی با فرماندهان قبلی توجه بیشتر ایشان به رویکرد سیاسی بود و شاید تلاش برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ مهم‌ترین رخداد دوره فرماندهی هاشمی رفسنجانی باشد. البته عوامل دیگری هم در پذیرش قطعنامه مؤثر بوده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. ممانعت از عراق برای گرفتن ظاهری چهره صلح‌طلب.
۲. استفاده وسیع عراق از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی: اسناد جنگ نشان می‌دهد که عراق در اوایل دهه ۱۹۸۰ بیش از هزار تن عامل خردل از کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده وارد کرده بوده‌است (ماد، شماره سند ۳۸۶۵، کد S-۱۹۸۶).
۳. تهدیدهای بین‌المللی: از ابتدای اردیبهشت ۱۳۶۶ حضور ناوگان‌های نظامی کشورهای خارجی به ویژه آمریکا در خلیج فارس، به بهانه ایجاد امنیت در کشتیرانی منطقه نوعی تهدید برای ایران به حساب می‌آمد (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۴).
۴. سلب دفاع مشروع از ایران: برابر ماده ۵۱ منشور سازمان ملل، کشوری که به آن تجاوز می‌شود تا زمانی که شورای امنیت تدابیری اجرایی برای دفع تجاوز اتخاذ نکند، حق دارد از خود دفاع کند؛ ولی به محض این‌که شورای امنیت در این راستا اقدام کرد آن کشور موردتهاجم، باید از ادامه حملات خودداری کند تا شورای امنیت بتواند با اطمینان خاطر بیشتر در زمینه شناسایی و تنبیه متجاوز به فعالیت ادامه دهد. قید تعیین مسئول مخاصمه در بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ این حق مشروع را از ایران سلب کرد (منصوری لاریجانی، ۱۳۹۰، ص ۲۴).
۵. تحریم تسلیحاتی علیه ایران: اگرچه ایران در طول جنگ هم برای تهیه اسلحه و ادوات جنگی با مشکل مواجه بود، ولی در این مرحله، تحریم مفهومی دیگر داشت؛ چراکه تحریم متوجه کشوری بود که از پذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ امتناع کند (صدیقیان، ۱۳۸۹، ص ۳۱). در ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۷م به دستور صدام حسین رئیس‌جمهور عراق اجلاس مشترک فرماندهی در عراق تشکیل شد و طی آن عراق قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت و آمادگی‌اش را برای همکاری با دبیرکل و شورای امنیت در زمینه حل جامع منازعه اعلام کرد.^۱ سخنگوی دولت عراق نیز در این باره اظهار کرد: «عراق آماده است قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را بپذیرد، مشروط به این‌که ایران نیز اقدامی مشابه انجام دهد؛ لذا تعهد عراق به پذیرش صریح و بدون قید و شرط قطعنامه، منوط به اقدام متقابل ایران است» (اطلاعات، ۱۳۶۶/۵/۱، ص ۳). باتوجه به مواضع دو کشور، دبیرکل سازمان ملل، پس از مراجعت از تهران و بغداد، طی نامه‌ای ۹ صفحه‌ای از دو کشور خواست تا در اجرای قطعنامه ۵۹۸ آتش‌بس را برقرار کنند. ایشان در این نامه بر

1. INA (Iraq news Agency). 22 July 1987. (From Baghdad). No 2.

زمان اجرای آتش‌بس، عقب‌نشینی نیروها به مرزها، مبادله اسیران جنگی و تشکیل کمیسیونی برای تعیین متجاوز و مسئول شروع جنگ تأکید کرد که این موضوع باعث شد تا ایران به خواسته‌هایش نزدیک‌تر شود (ماد، شماره سند ۱۰۸۵۳۵، کد S-۱۹۸۵).

ارزیابی پایان جنگ

تجاوز عراق به ایران علل، اهداف و انگیزه‌های ایدئولوژیک، سیاسی و ارضی داشت که برخی از آن‌ها پیشینه‌ای تاریخی داشت و برخی به وقوع انقلاب اسلامی ایران مربوط بود. از جمله مهم‌ترین علل و اهداف عراق در جنگ، ارتقای موقعیت ژئوپلیتیک و پرکردن خلأ قدرت در منطقه بود. با به‌هم‌خوردن موازنه قوا در منطقه خلیج فارس صدام حسین سعی داشت تا با هم‌سو کردن آمریکا به ژاندارمی منطقه برسد (رضایی میرفانند، ۱۳۹۰، ص ۷۱). صدام خود درباره اهداف نظامی و سیاسی عراق در آغاز جنگ با ایران چنین می‌گوید: «جنگ در واقع اراده نیل به اهداف معین با استفاده از وسایل مبارزه است. در فاز نظامی هدف اصلی ما خارج کردن ارتش ایران از مواضع مهم استراتژیک در نقاط مرزی بود تا ایرانیان نتوانند به داخل عراق حمله نظامی کنند و در فاز سیاسی، هدف ما به رسمیت شناختن حق حاکمیت عراق بر مناطق شط‌العرب و سرزمین‌های مجاور آن است که ایران طی قرارداد الجزایر به‌زور نظامی غصب کرده بود. هم‌چنین ایران باید به حقوق حقه عراق در زمینه سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی اعتراف کند و هیچ‌گونه دخالتی در امور داخلی عراق نکند» (ماد، شماره سند ۳۸۶۵، کد S-۱۹۸۶). یکی دیگر از اهداف مهم عراق جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی بود؛ چراکه انقلاب ایران برخلاف انقلاب‌های قبل و بعد از انقلاب کمونیستی روسیه، به نام «اسلام» و با شعار «جدایی‌ناپذیری دین از سیاست» به وقوع پیوسته بود و دولت عراق به این لحاظ از انقلاب ایران که مبتنی بر آموزه‌های شیعی بود، احساس خطر می‌کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹، ص ۳۳۴). از طرفی دولت آمریکا نیز از وقوع انقلاب ایران در منطقه نگران بود. هنری کیسینجر وزیر امور خارجه آمریکا در اوایل انقلاب گفت: «اگر انقلاب در چارچوب جغرافیایی ایران خلاصه شود، برای ما قابل توجه است؛ ولی متوجه‌بودن صدور پیام انقلاب اسلامی که حداقل خطاب به مسلمانان است، منافع و امنیت مقامات واشنگتن را تهدید می‌کند». هم‌چنین هارلد براون^۱ وزیر دفاع وقت آمریکا در ۲۸ ژانویه ۱۹۸۰/۸ بهمن ۱۳۵۹ تصریح کرد که بزرگ‌ترین خطر برای امنیت آمریکا خطر توسعه‌طلبی شوروی نیست؛ بلکه خطری است که از گسترش انقلاب‌های غیرقابل کنترل مانند انقلاب اسلامی ایران در جهان سوم ناشی می‌شود (میلر، ۱۹۸۰/۹/۲۳، ص ۴). براین اساس عراق با حمایت چندین کشور و نیز

1. Harold Brown.



باتوجه به شرایط ناآرام سیاسی ایران در هنگام انقلاب، حمله به ایران را برای تأمین اهدافش آغاز کرد؛ ولی پایان جنگ به شکلی رقم خورد که برای دولت عراق و صدام حسین قابل انتظار نبود. اگرچه صدام احساس می‌کرد در تضعیف انقلاب در امتدادش به خارج از مرزهای ایران موفق عمل کرده‌است و به این علت قهرمان امت عرب و حامی دروازه‌های شرقی است، ولی به هزینه‌های سنگینی هم که بر عراق تحمیل شده بود فکر می‌کرد؛ بنابراین لازم می‌دانست که کشورهای عربی، غربی و نیز جبهه کمونیست احساسی عمیق درباره این موضوع داشته باشند و انتظار داشت که کمک‌هایی سنگین به عراق پردازند. باید توجه داشت که عراق در حالی وارد جنگ شد که درآمدهایش به ۴۳ میلیارد دلار می‌رسید؛ ولی وقتی از آن خارج شد، ۷۰ میلیارد دلار بدهکار بود که نیمی از آن بدهی به کشورهای عربی بود (شریل، ۱۳۹۵، صص ۱۹۳-۱۹۵). عراقی‌ها در دوره جنگ تجهیزات و مواد خام مصرفی خود را از ۲۰۰ شرکت در ۲۱ کشور جهان تهیه می‌کردند و با استفاده از این کمک‌ها و نیز حمایت‌های مالی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس - به‌ویژه عربستان و کویت - توانستند توان نیروی زمینی و هوایی خود را افزایش دهند. بررسی وام‌ها و کمک‌های اقتصادی خارجی به دولت عراق در طی سال‌های آخر جنگ نشان می‌دهد که عراق بدون این کمک‌ها، قطعاً به تنهایی قادر نبوده‌است هزینه جنگ را پردازد (رودباری، ۱۹۹۸، ص ۱۶۲). علاوه بر بدهکاری مالی و اقتصادی عراق در پایان جنگ، باید توجه داشت که عراق به‌عنوان آغازگر جنگ و با هدف‌های مشخص، از جمله سرنگونی نظام انقلابی حاکم بر ایران، تصرف و تجزیه خوزستان و لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به ایران حمله کرد؛ ولی هیچ‌گاه نتوانست اهداف خود را تأمین کند و تنها به علت پشتیبانی همه‌جانبه بین‌المللی و منطقه‌ای توانست به حیات سیاسی، اقتصادی و نظامی خود ادامه دهد؛ موضوعی که وابستگی عراق به قدرت‌های بزرگ را عمیق‌تر کرد.

درباره واکنش و اهداف ایران در دوره جنگ تحمیلی می‌توان گفت که به‌هنگام تهاجم نظامی عراق، اصل دفاع به‌عنوان هدف اصلی در دستور جمهوری اسلامی قرار گرفت؛ هم‌چنین در این ارتباط ۳ هدف عمده دیگر هم دنبال شد:

۱. تثبیت موقعیت عراق و جلوگیری از پیشروی بیشتر آن کشور؛
۲. آزادسازی مناطق اشغالی ج.ا. ایران از لوث وجود رژیم بعثی عراق؛
۳. تعقیب و تنبیه متجاوز و سرنگونی رژیم صدام (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، ش ۳۱۱، ۲۰/۲/۱۳۶۱، ص ۱۰).

ایران علاوه بر این اهداف، هدف دیگری را نیز دنبال می‌کرد و آن اجازه انتقال نیروهای رزمنده ایران از داخل خاک عراق به سمت قدس، برای کمک به مردم لبنان در مقابل

اسرائیل بود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۳، ص ۲۴). آنتونی کردزمن^۱ از کارشناسان و محققان جنگ ایران و عراق در کنفرانسی ویژه در «انستیتو تحقیقاتی بین‌المللی بروگینز»^۲ چنین می‌گوید: «ایران در پایان جنگ اگرچه نتوانست کشور متجاوز عراق را به علت حمایت‌های گسترده قدرت‌های جهانی، تنبیه و مجازات کند، ولی توانست با حمایت و پشتیبانی مردم نظام سیاسی خود را با شاخص‌های انقلابی-دینی تثبیت کند» (کردزمن و واگنر، ۱۳۸۹). تحول در حوزه پزشکی و نظامی، هم‌چنین شکست سیاست‌ها و برنامه‌های آمریکا و متحدانش در منطقه با تشکیل محور مقاومت، از جمله دستاوردهای مهم جنگ تحمیلی بود. در بُعد سیاست خارجی نیز مهم‌ترین رهاورد جنگ تحمیلی را تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران می‌توان دانست که البته این برداشت از جنگ، موجب به حاشیه‌راندن روایت ملی‌گراها از نتیجه پایان جنگ شد؛ زیرا در گفتمان ملی‌گرایی تأکید بر حفظ تمامیت ارضی و مرزهای میهن مورد توجه بود و پایان جنگ با این معیار سنجیده می‌شد؛ در حالی که دستاورد جنگ را براساس آنچه که امام خمینی بیان داشته بودند، باید فراتر از مرزهای زمینی جست‌وجو کرد. ایشان فرموده بودند:

«نباید که بگوئیم در عوض شهادت فرزندان اسلام، تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد. تمامی این‌ها خیالات باطل ملی‌گراهاست. ما هدفمان بالاتر از آن است که ملی‌گراها تصور کردند. ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین‌المللی اسلامی در جهان است» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، جلد ۲۱، ص ۸۹). بدین ترتیب از این سخنان امام چنین می‌توان استنباط کرد که جنگ تحمیلی باید به محملی برای تثبیت و تداوم حیات گفتمان اسلام مکتبی و نه گفتمان ملی‌گرایی صرف تبدیل می‌شد. امام در پایان جنگ با اشاره به برکات جنگ فرمودند:

«هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره جسته‌ایم. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم... ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم. ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پربار اسلامی‌مان را محکم کردیم... ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم. ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها تا سالیان سال می‌توان مبارزه کرد... و از همه این‌ها مهم‌تر، استمرار روح انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، جلد ۲۱، ص ۲۸۹). در مجموع ارزیابی پایان جنگ نشان می‌دهد که دولت عراق با وجود حمایت گسترده کشورهای منطقه و نظام بین‌الملل، بدون تأمین اهدافش جنگ را به پایان رساند و از این جهت بازنده جنگ محسوب می‌شود. در مقابل می‌توان گفت که اگرچه دولت ایران بدون داشتن متحد، موردتهاجم نظامی و نیز تحریم شدید تسلیحاتی و اقتصادی قرار گرفته بود، ولی باتوجه به دستاوردهایی هم‌چون،

1. Antoni krdzman
2. Brougins International Institute for Research



حفظ و تثبیت نظام سیاسی انقلاب و نیز حفظ تمامیت ارضی به‌عنوان اصل حاکمیت ملی و هم‌چنین بروز خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها در عرصه‌های مختلف، شایسته‌ عنوان کشور برنده در پایان جنگ است.

جمع‌بندی

پایان جنگ ایران و عراق از دو نظر اهمیت دارد؛ نخست علل و زمینه‌های صدور و پذیرش قطعنامه ۵۹۸، و دوم ارزیابی و مشخص شدن طرف پیروز و طرف بازنده جنگ. آن چیزی که درباره علل صدور قطعنامه ۵۹۸ مهم و تأثیرگذار بود، ترس از عملیات‌های ادامه‌دار ایران و اراده نظام بین‌الملل برای پایان جنگ بود؛ همچنان‌که علل شروع جنگ نیز خارج از خواست دو کشور ایران و عراق بود. درباره علل پذیرش قطعنامه ۵۹۸، به مؤلفه‌های قدرت ملی یک کشور مانند قدرت نظامی، اقتصاد، جغرافیا، نیروی انسانی مجهز در جنگ، مدیریت بازیگران جنگ، دیپلماسی فعال و نقش نظام بین‌الملل می‌توان اشاره کرد؛ زیرا اکثر این مؤلفه‌ها در روند تصمیم‌گیری برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تأثیرگذار بودند. در چارچوب معیار «هدف-نتیجه» شاید تصور ما از پایان جنگ، به‌علت تحلیل رفتن بنیه دو کشور و نیز تحقق نیافتن کامل اهداف طرفین، جنگ بدون برنده باشد؛ ولی لازم است توجه شود که عراق در دستیابی به هیچ‌کدام از اهدافش موفق نبود و تنها وابستگی خود را در زمینه خرید تسلیحات نظامی، و مسائل اقتصادی به قدرت‌های بزرگ بیشتر کرد. درحالی‌که ایران توانست با حمایت و پشتیبانی مردم، ضمن حفظ تمامیت ارضی، جنگ را اداره کند و نظام سیاسی خود را با شاخص‌های انقلابی-دینی تثبیت کند. ایران هم‌چنین در زمینه علوم و فناوری، پزشکی، تولیدات صنایع دفاعی دستاوردهایی مهم کسب کرد و مهم‌تر این‌که ایران توانست با جلوگیری از اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های آمریکا و غرب در منطقه، به‌عنوان نماد و الگوی مقاومت در منطقه و جهان شناخته شود.

منابع

اسناد

موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، (ماد): شماره سند ۳۸۶۵-S، ۱۹۸۶؛ ۵۴۴۶، کد S-۱۹۷۵؛ ۲۳۲۴۶، کد S-۱۹۸۵؛ ۱۰۸۵۳۵؛ ۱۹۸۵-S؛ ۱۶۲۰۸؛ ۱۹۸۵-S؛ ۱۵۶/۸؛ ۱۹۸۵-S؛ ۱۹۹۴-S؛ ۱۶۲۰۸۷۱۱، کد S-۱۹۸۵؛ ۱۶۲۰۸۷۱۲؛ ۱۹۸۵-S.

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، گزارش‌های ویژه، ش ۳۱۱، ۱۳۶۱/۲/۲۰، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.



کتاب

- آمار کارگاه‌های بزرگ صنعتی سال ۱۳۵۹. منتج از آمارگیری از کارگاه‌های بزرگ صنعتی سال ۱۳۶۰. تهران: مرکز آمار ایران.
- پوتول، گاستون. (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی جنگ*. (هوشنگ فرخجسته، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بیل، جیمز. (۱۳۷۱). *شیر و عقاب*. (فروزنده برلیان، مترجم). تهران: نشر فاخته.
- پارسادوست، منوچهر. (۱۳۶۹). *نقش عراق در شروع جنگ همراه با بررسی تاریخ عراق و اندیشه‌های حزب بعث*. (چ ۱). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پارسادوست، منوچهر. (۱۳۷۱). *نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران، همگامی امریکا و شوروی در ادامه جنگ*. (چ ۱). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پوردستان، احمدرضا و دیگران. (۱۳۹۲). *اطلس نبردهای ماندگار: عملیات نیروهای زمینی در هشت سال دفاع مقدس: شهر یورماه ۱۳۵۹ - مردادماه ۱۳۶۷*. (چ ۳۴). تهران: سوره سبز.
- جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۸۲). *روابط خارجی ایران (بعد از انقلاب اسلامی)*. (چ ۲). تهران: انتشارات آوای نور.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۹۲). *جنگ ایران و عراق از نگاه نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: انتشارات صفحه جدید.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸). *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)*، بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها. (ج ۱۱، ج ۲۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- درویدیان، محمد. (۱۳۸۲). *پرسش‌های اساسی جنگ: نقد و بررسی جنگ ایران و عراق*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- درویدیان، محمد. (۱۳۸۷). *فاو تا شلمچه: سیری در جنگ ایران و عراق*. (چ ۳). (چ ۶). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- درویدیان، محمد. (۱۳۸۹). *تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق جلد ۲: جنگ، بازیابی ثبات: بررسی تحولات نظامی ایران از ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱*. (چ ۲). تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- درویدیان، محمد. (۱۳۹۱). *سیری در جنگ ایران و عراق؛ جلد ۵: پایان جنگ*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- درویشی سه‌تانی، فرهاد. (۱۳۸۸). *تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق: ریشه‌های تهاجم*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۹). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- رحمانی، قدرت‌الله. (۱۳۸۳). *بی‌پرده با هاشمی رفسنجانی*. (چ ۲). تهران: انتشارات کیهان.
- رضایی میرقاند، محسن. (۱۳۷۴). *درس‌های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق*. تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.



- رضایی میرقائد، محسن. (۱۳۹۰). **جنگ به روایت فرمانده: درس گفتارهای جنگ**. تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
- رمضان، میخائیل. (۱۳۹۴). **شبیبه صدام**. (محمدمدنی ابراهیمی، مترجم). تهران: انتشارات سورۀ مهر.
- رودباری، سوا فیلی. (۱۹۹۸). **کویت**. تهران: وزارت امور خارجه.
- شریل، غسان. (۱۳۹۵). **العراق من حرب إلی حرب: صدام مرّ من هنا**. (عراق از جنگ تا جنگ: صدام از اینجا عبور کرد). (سیدعلی موسوی خلخالی، مترجم). الحیات لبنان: خانه کتاب.
- علایی، حسین. (۱۳۹۵). **تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق**. تهران: انتشارات مرزوبوم.
- غلام‌پور، احمد. (۱۳۸۸). **ما و جنگ**. تهران: مرکز اسناد و تحقیقات جنگ.
- کردزمن آنتونی؛ واگنر، آبراهام. (۱۳۸۹). **درس‌های جنگ مدرن؛ جلد ۱: جنگ ایران و عراق**. (حسین یکتا، مترجم). تهران: انتشارات مرزوبوم.
- کیسینجر، هنری. (۱۳۹۶). **نظم جهانی: تأملی در ویژگی ملت‌ها و جریان تاریخ**. (محمدتقی حسینی، مترجم). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- محمدی، منوچهر. (۱۳۸۶). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسائل**. (چ ۴). تهران: دادگستر.
- معین، محمد. (۱۳۸۶). **فرهنگ معین**. (چ ۳). تهران: انتشارات زرین.
- منصوری لاریجانی، اسماعیل. (۱۳۹۰). **تاریخ دفاع مقدس: رویکرد حقوقی جنگ و علل پذیرش قطعنامه ۵۹۸**. (چ ۱). تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- مهاجرانی، میرحیدر. (۱۳۸۵). **مبانی جغرافیای سیاسی**. (چ ۱۴). تهران: سمت.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۰). **خطبه‌های جمعه**. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر. (۱۳۹۳). **پس از بحران: کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۱**. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب اسلامی.
- هیوم، کامرون. (۱۳۷۶). **سازمان ملل متحد، ایران و عراق**. (چ ۱). (هوشنگ راسخی، مترجم). تهران: دفتر مطالعات سیاسی.

مقاله

- شایگان‌فرد، مجید. (۱۳۸۳). «دیوان بین‌المللی کیفری و صلاحیت رسیدگی به جنایت تجاوز». فصل‌نامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۴. تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

روزنامه

- الشرق الاوسط. (۱۹۸۱/۹/۲۲). «موضع اعراب و درگیری ایران و عراق». (کامران مومی‌وند، مترجم). بغداد/

انگلستان.

روزنامه اطلاعات، شماره ۱۳۶۸۵، (۱۳۶۶/۵/۱).

صدیقیان، امیر. (۱۳۸۹/۴/۳). «گفت‌وگو با علی‌رضا افشار (جانشین وقت ستاد مرکزی سپاه پاسداران)».

روزنامه ایران. ویژه‌نامه سال‌روز پذیرش قطعنامه ۵۹۸.

میلر، جان. (۱۹۸۰/۹/۲۳). «روس‌ها بر سر دوراهی در جنگ خلیج [فارس]». (محمدباقر خوشنویسان،

مترجم). مسکو: دیلی تلگراف.

نیویورک تایمز. (۱۹۸۰/۹/۲۳). «بیم مشاوران آمریکایی از سود بردن شوروی در جنگ خلیج فارس». (رسول

منصوری، مترجم). واشنگتن.

مصاحبه

الله‌کرم، حسین. (۱۳۹۳/۹/۲۶). تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

بختیاری، مسعود. (۱۳۹۴/۲/۱۶). تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

غلام‌پور، احمد. (۱۳۹۳/۹/۲۶). تهران: موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

منابع لاتین

Engel bregcht. (1993). *Theory of Games*. Princeton University Press.

Hansen, Wibke; Ramsbotham, Oliver; Woodhouse, Tom. (2004). *Hawks and Doves: Peacekeeping and Conflict Resolution*. Berghof Research Center for Constructive Conflict Management.

INA (Iraq news Agency). 22july1987.From Baghdad. No 2.

Massoud, Tansa George. (1996). "War termination". *Journal of Peace Research*, Vol. 33, No. 4, pp 491-496.

Reiter, Dan. (2003). "Exploring the bargaining model of war". *Perspectives on Politics*, Vol. 1, Issue 1, pp 27-43 (March).

English Translation of References

Documents

Muze-ye Enqelāb-e Eslāmi va Defā'-e Moqaddas (MAD) (Holy Defense Museum): document number 3865, s-1986; document number 5446, code s-1957; document number 23246, code s-1985; document number 108535, code s-1985; docu-



ment number 16208, code s-1985; document number 156/8, code s-1994; MAD, document number 16208711, code s-1985; MAD, document number 16208712, code s-1985.[Persian]

Xabargozāri-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān (Islamic Republic News Agency) (IRNA), special reports, number Š311, 1361/2/20 (10 - May- 1982), Markaz-e Motālē'āt va Tahqiqāt-e Jang (Holy Defense Research & Document Center).[Persian]

Books

Alayi, Hossein. (1395/2016). *“Tārix-e tahlili-ye jang-e Irān va Arāq”* (Analytical history of the Iran-Iraq war). Tehran: Enteshārāt-e Marz-o Bum.[Persian]

“Āmār-e kārgāh-hā-ye bozorg-e san'ati-ye sāl-e 1359” (Statistical records of large industrial workshops of in the year 1980). Derived from a survey of large industrial workshops in 1360/1981. Tehran: Makaz-e Āmār-e Irān (Statistical Centre of Iran).[Persian]

Bill, James. (1371/1992). *“Šīr va oqāb”* (The eagle and the lion: The tragedy of American-Iranian relations). Translated by Forouzandeh Berelyan. Tehran: Našr-e Fāxteh.[Persian]

Bouthoul, Gaston. (1374/1995). *“Jāme'e-šenāsi-ye jang”* (La Guerre) [The war]. Translated by Houshang Farkhojasteh. Tehran: Enteshārāt-e 'Elmi va Farhangi (ElmiFarhangi Publishing Co.).[Persian]

Charbel, Ghassan. (1395/2016). *“Al-Arāq men harbelal-harb:Saddam marra men hona”* [Arāq az jang tā jang: Saddām az injā 'oburkard] (Iraq from war to war: Saddam passed from here). Translated by Seyyed Ali Mousavi Khalkhali. Al-Hayāt-e Lobnān: Xāne-ye Ketāb.[Persian]

Cordesman, Anthony, H., & Wagner, Abraham, R. (1389/2010). *“Dars-hā-ye jang-e modern; Jeld-e 1: Jang-e Irān va Arāq”* (The lessons of modern war; Volume 1: Iran-Iraq war). Translated by Hossein Yekta. Tehran: Enteshārāt-e Marz-o Bum. [Persian]

DarvishiSehTalani, Farhad. (1388/2009). *“Tajzieh va tahlil-e jang-e Irān va Arāq: Riše-hā-ye tahājom”* (Analysis of the Iran-Iraq war: The origins of the invasion).



- Tehran: Markaz-e Motāle'āt va Tahqīqāt-e Jang (Holy Defense Research & Document Center).[Persian]
- DehghaniFirouzabadi, Seyyed Jalal. (1389/2010). "*Siāsāt-e xāreji-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān*" (Foreign policy of the Islamic Republic of Iran). Tehran: Enteshārāt-e SAMT.[Persian]
- Doroudian, Mohammad. (1382/2003). "*Porseš-hā-y e asāsi-ye jang: Naqd va barresi-ye jang-e Irān va Arāq*" (Basic war questions: A review of the Iran-Iraq war). Tehran: Markaz-e Motāle'āt va Tahqīqāt-e Jang(Holy Defense Research & Document Center).[Persian]
- Doroudian, Mohammad. (1387/2008). "*Fāv tā Šalamčeh: Seiri dar jang-e Irān va Arāq*" (Al-Faw Port to Shalamcheh: A survey on the Iran-Iraq war). Tehran: Markaz-e Motāle'āt va Tahqīqāt-e Jang(Holy Defense Research & Document Center).[Persian]
- Doroudian, Mohammad. (1389/2010). "*Tajzieh va tahlil-e jang-e Irān va Arāq; Jeld-e 2: Jang, bāzyābi-ye sobāt: Barresi-ye tahavvolāt-e nezāmi-ye Irān az 1359 tā 1361*" (Analysis of the Iran-Iraq war; Volume 2: War, restoring stability: An overview of Iran's military developments from 1980 to 1982) (2nd ed.). Tehran: Markaz-e Asnād va Tahqīqāt-e Defā'-e Moqaddas (Holy Defense Research & Document Center).[Persian]
- Doroudian, Mohammad. (1391/2012). "*Seiri dar jang-e Irān va Arāq; Jeld-e 5: Pāyān-e jang*" (A survey on the Iran-Iraq war; Volume 5: The end of the war). Tehran: Markaz-e Motāle'āt va Tahqīqāt-e Jang (Holy Defense Research & Document Center).[Persian]
- Engelbreght. (1993). *Theory of games*. Princeton University Press.
- Gholampor, Ahmad. (1388/2009). "Mā va jang" (We and the war). Tehran: Markaz-e Asnād va Tahqīqāt-e Jang (Holy Defense Research & Document Center).[Persian]
- Haji Yousefi, Amir Mohammad. (1392/2013). "*Jang-e Irān va Arāq az negāh-e nazarie-hā-ye ravābet-e bein-ol-melal*" (The Iran-Iraq war from the perspective of international relations theories). Tehran: Enteshārāt-e Safhe-ye Jadid.[Persian]
- Hansen, Wibke; Ramsbotham, Oliver; & Woodhouse, Tom. (2004). *Hawks and doves*:



- Peacekeeping and conflict resolution*. Berghof Research Center for Constructive Conflict Management.
- Hashemi Rafsanjani, Akbar. (1380/2001). “*Xotbe-hā-ye namāz-e jom’-e*” (Friday sermons). Tehran: Dafter-e Našr-e Ma’āref-e Enqelāb.[Persian]
- Hashemi Rafsanjani, Akbar. (1393/2014). “*Pas az bohrān: Kār-nāme va xāterāt-e Hāšemi Rafsanjāni dar sāl-e 1361*” (Post-Crisis: The report card and memories of Hashemi Rafsanjani in the year 1982). Tehran: Dafter-e Našr-e Ma’āref-e Enqelāb.[Persian]
- Hume, Cameron, R. (1376/1997). “*Sāzmān-e melal-e mottahed, Irān va Arāq*” (The United Nations, Iran, and Iraq: How peacemaking changed) (1st ed.). Translated by Houshang Rasekhi. Tehran: Dafter-e Motālē’āt-e Siāsi (Institute for Political and International Studies).[Persian]
- Jafari Valadani, Asghar. (1382/2003). “*Ravābet-e xāreji-ye Irān: Ba’d az enqelāb-e Eslāmi*” (Foreign relations of Iran: After the Islamic Revolution) (2nd ed.). Tehran: Entešārāt-e Āvā-ye Nur.[Persian]
- Khomeini, Ruhollah. (1378/1999). “*Sahife-ye emām: Majmu’-e āsār-e emām Xomeini (s), bayānāt, payām-hā, mosāhebe-hā, ahkām, eĵāzāt-e šar’eeva name-hā*” (Sahifeh-ye Imam: An anthology of Imam Khomeini’s Speeches, messages, interviews, decrees, religious permissions, and letters) (vol. 11 & 21). Tehran: Mo’assese-ye Tanzim va Našr-e Āsār-e Emām Xomeini (The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini’s Works).[Persian]
- Kissinger, Henry. (1396/2017). “*Nazm-e jahāni: Ta’ammoli dar vižegi-ye mellat-hā va jariān-e tārix*” (World order: Reflections on the character of nations and the course of history). Translated by Mohammad Taghi Hosseini. Tehran: Entešārāt-e ‘Elmi Farhangi (Elmi Farhangi Publishing Co.).[Persian]
- Mansouri Larjani, Esmāeel. (1390/2011). “*Tārix-e defā’-e moqaddas: Ruykard-e hoquqi-ye jang va elal-e pazireš-e qat’-nāme-ye 598*” (History of holy defense: The legal approach to war and the reasons for adoption of Resolution 598) (1st ed.). Tehran: Pažuhešgāh-e Olum va Ma’āref-e Defā’-e Moqaddas (Defensive Science Research Center).[Persian]

- Moeen, Mohammad. (1386/2007). *“Farhang-e Mo’een”* (Moin Encyclopedic Dictionary) (3rd ed.). Tehran: Entesharāt-eZarrin.[Persian]
- Mohajerani, Mir Heydar. (1385/2006). *“Mabāni-ye joqrāfiā-ye siāsi”* (The basics of political geography) (14th ed.). Tehran: SAMT.[Persian]
- Mohammadi, Manouchehr. (1386/2007). *“Siāsat-e xāreji-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān: Osul va masā’el”* (Foreign policy of the Islamic Republic of Iran: Principles and issues) (4th ed.). Tehran: Dādgostar.[Persian]
- Parsadoust, Manouchehr. (1369/1990). *“Naqš-e Arāq dar šoru’-e jang hamrāh bā barre-si-ye tārix-e Arāq va andiše-hā-ye hezb-e ba’s”* (Iraq’s role in starting the war, along with an examination of Iraqi history and Ba’athist ideas) (1st ed.). Tehran: Šerkat-e Sahāmi-ye Enteshār.[Persian]
- Parsadoust, Manouchehr. (1371/1992). *“Naqš-e sāzmān-e melal dar jang-e Arāq va Irān, hamgāmi-ye Āmrīkā va Šoravi dar edāme-ye jang”* (The role of the United Nations in the Iraq-Iran war, US-Soviet synergy in continuing the war) (1st ed.). Tehran: Šerkat-e Sahāmi-ye Enteshār.[Persian]
- Pourdastan, Ahmad Reza, et al. (1392/2013). *“Atlas-e nabard-hā-ye māndegār: Amaliāt-e niru-hā-ye zamīni dar hašt sāl defā’-e moqaddas: Šahrivarmāh 1359 – Mordādmāh 1367”* (Atlas of unforgettable battles: Ground forces operations in eight years of holy defense: September, 1980 - August, 1988) (34th ed.). Tehran: Sure-ye Sabz.[Persian]
- Rahmani, Ghodartollah. (1383/2004). *“Bipardeh bā HāšemiRafsanjāni”* (Honestly with Hashemi Rafsanjani) (2nd ed.). Tehran: Entesharāt-e Keyhān.[Persian]
- Ramadan, Mikhael. (1394/2015). *“Šābih-e Saddām”* (In the shadow of Saddam). Translated by Mohammad Nabi Ebrahimi. Tehran: Entesharāt-e Sure-ye Mehr. [Persian]
- Rezayi Mir Ghaed, Mohsen. (1374/1995). *“Dars-hā-ye tajzieh va tahlil-e jang-e Irān va Arāq”* (Analysis lessons of the Iran-Iraq war). Tehran: Dāneškade-ye Farmāndehi va Setād-e Sepāh (AJA University of Command and Staff).[Persian]
- Rezayi Mir Ghaed, Mohsen. (1390/2011). *“Jang be revāyat-e farmāndeh: Dars-goftār-hā-ye jang”* (War as narrated by the commander: War lectures). Tehran:

Bonyād-e Hefz-e ĀsārvaArzeš-hā-ye Defā'-e Moqaddas (Foundation for the Preservation of Sacred Defense Works and Values).[Persian]

Roudbari, Sava' Feili. (1998). "Koveit" (Kuwait). Tehran: Vezārat-e Omur-e Xārejeh (Ministry of Foreign Affairs).[Persian]

Articles

Massoud, Tansa George. (1996). "War termination". *Journal of Peace Research*, 33 (4), pp. 491-496.

Reiter, Dan. (2003). "Exploring the bargaining model of war". *Perspectives on Politics*, 1 (1), pp. 27-43 (March).

Shayganfard, Majid. (1383/2004). "Divān-e bein-ol-melali-ye keifari va salāhiat-e residegi be jenāyat-e tajāvoz" (The international criminal court and jurisdiction over the crime of aggression). *Fasl-nāme-ye Hoquq* (Privet Law Studies Quarterly), 38 (4). Tehran: Dāneškade-ye Hoquqva 'Olum-e Siāsi (Faculty of Law and Political Science).[Persian]

Newspapers

Alsharq Al-Awsat. (1981 - 9 - 22). "Mowze'e arāb va dargiri-ye Irān va Arāq" (The Arabs' stance and the Iran-Iraq conflict). Translated by Kamran Mouvivand. Baghdad/ England.[Persian]

INA (Iraq News Agency). (July 22, 1987). From Baghdad. No 2.

Miller, John. (1980 - 9 - 23). "Rus-hā bar sar-e dorāhi dar jang-e xalij-e [Fārs]" (Russians at the crossroad in the [Persian] Gulf war). Translated by Mohammad Bagher Khoshnevisan. Moscow: Daily Telegraph.[Persian]

New York Times. (1980 - 9 - 23). "Bim-e mošaverān-e Āmrikāyi az sudbordan-e Šoravi dar jang-e xalij-e Fārs" (US advisers' fear of Soviet benefitting from the Persian Gulf war). Translated by Rasoul Mansouri. Washington.[Persian]

Ruznāme-ye Ettlā'āt (Ettlā'at Newspaper), No. 13685, 1366/5/1 (July 23, 1987).[Persian]

Sedighian, Amir. (1389 - 4 - 3 / 1987 - 7 - 23). "Goft-o-gu bā Ali RezāAfšār (Jānešin-e

vaqt-e setād-e Markazi-ye Sepāh-e Pasdārān)” (Interview with Ali Reza Afshar: The deputy chief of the Revolutionary Guard Corps headquarters). Ruznāme-ye Irān (Iran Newspaper). “Viže-nāme-ye sālrūz-e pazireš-e qat’-nāme-ye 598” (Special issue on the anniversary of accepting Resolution 598).[Persian]

Interviews

Allah Karam, Hossein. (1393 – 9 – 26 / 2014 – 12 – 17). Tehran: Muze-ye Enqelāb-e Eslāmi va Defā’-e Moqaddas (MAD) (Holy Defense Museum).[Persian]

Bakhtiari, Masoud. (1394 – 2 – 16 / 2015 – 5 – 6). Tehran: Muze-ye Enqelāb-e Eslāmi va Defā’-e Moqaddas (MAD) (Holy Defense Museum).[Persian]

Gholampour, Ahmad. (1393 – 9 – 26 / 2014 – 12 – 17). Tehran: Muze-ye Enqelāb-e Eslāmi va Defā’-e Moqaddas (MAD) (Holy Defense Museum).[Persian]

